

# قضاء و چگونگی آفرینش عدالت

قسمت دوازدهم

\*\*\*

**خاطره و سرگذشت غم انگیز ریاست محاکم ولایت بلخ،  
ریاست محکمه شهری و سایر ریاست های معاونه مربوطه و ادارات  
آنها در سالهای ۱۳۵۹ شمسی مطابق ۱۹۸۱ میلادی:**

یاد آوری ضروری: درین پژوهش هدف اصلی من «قضاء و چگونگی آفرینش عدالت» عنوان شده است ولی در مغز و متن آن بعضی گذارشاتیکه مستقیم در ایجاد عدالت نسبی اثر گذار و یا اساس قرار داشته و یا هم موانع جدی برای محاکم خلق می کند واجب الذکر پنداشته میشود منم آگاهانه با رعایت و توجه این نکات مهم - تراویده های مغز و تجارب ناچیز خود را انعکاس می دهم ولی اصل مطلب «پژوهش چگونگی تأمین عدالت قضائی» می باشد.

\*\*\*

## کوچ اجباری ریاست محاکم و محاکم دیگر:

### موقعیت تعمیر ریاست محاکم در ولایت بلخ:

تعمیر ریاست محکمه مرافعه ولایت بلخ در مرکز شهر مزار شریف و در یک موقعیت امن و آرام در مقابل تعمیر ولایت و در جوار منزل رهائشی والی ولایت وقت قرار داشته و متصل آن منزل رهائشی رئیس محکمه و منازل قضات اعمار شده است در سمت شمال شرق و متصل دیوار ریاست محاکم تعمیر کمیته حزبی ولایتی ولایت بلخ و در ما حول آن ادارات دیگری فعالیت داشتند.

زمین و تعمیر ریاست محکمه متعلق به ارگان قضا و از طرف ارگان قضا اعمار و از زمان اعمار تا همان زمانیکه اقدام به تخلیه آن شده بود ادارات قضائی در آن مصروف کار های قضائی بودند.

ریاست محاکم ولایت بلخ و موقف قضائی آن را اگر به صفت یک ریاست مهم ولایتی وابسته به دادگاه عالی افغانستان که در جمله قوای مستقل و ارگان دولتی مملکت شامل است، در جنب دیگر ارگان های دولت از دید اجتماع و قانون - سوا از کم بینی های گوناگون و گرایش های منفی در نظر بگیریم فکر می کنم - اهمیت و امنیت آن کمتر از دیگر ارگانها نیست. و اینکه رهبری ولایت بلخ در آن زمان چرا به چنین اقدام نا عاقبت اندیشانه دست یازید من هم متحیرم.

ببینید در آن زمان تصمیم گرفتند ریاست محکمه را بزعم خود شان نسبت گرفتن امنیت دیگر ارگانهای مهم دولتی تخلیه و به یک مکتب خارج شهر که در آن زمان روی هر علت و یا مشکلاتیکه بود طور مؤقت تعطیل بود کوچ دهند (بعدهن مکتب هم به فعالیت و دروس خود آغاز نمود و این مهمان ناخوانده را کوچ دادند) ولی امنیت خود ریاست محاکم و ادارات مربوط آن به عقیده آنها اهمیتی نداشته است که از شهر بیرونش کردند. دلایل و استناد تصمیم گیرندگان در ولایت بلخ دایر بر تخلیه تعمیر ریاست محاکم نظریه موقعیت حساس آن که قبلاً گردانندگان قدرت آن را در ردیف دیگر ادارات، اداره ولایت، منزل رهائشی والی ولایت که همتای رئیس محاکم شناخته میشود و متصل کمیته ولایتی ولایت بلخ اعمار و بنا ساخته بودند که طبعن تأمین امنیت و حیثیت و جایگاه همه این ارگانها در این ولایت مطمح نظر بوده است، اما نزد رهبری جدید تخلیه آن برای تأمین امنیت دیگر ادارات مهم تلقی ولی در ارتباط به چگونگی امنیت خود این اداره، قضات و کارمندان آن و چگونگی سر نوشت فعلی و بعدی در اجرای وظیفه محاکم و قضات، چگونگی سکتگی و مختل شدن امور قضائی و اداری، و تأثیر نبود محکمه و مسند

احکام شریعت وقوانین که در عروق وشریان مردم جا گرفته است مکتی نداشتند وازتأثیرمعنوی محاکم وکار آنها دراجتماع، از توقف اجرائات حقوقی وترتیب اسناد دردوایر آن وروابط حقوقی افراد جامعه واز حساسیت های اجتماع ومردم که این سرگردانیها را طور بالفعل نظاره می کردند واز آوارگی و کم اهمیت دادن محاکم، سنجشی نکرده ودر نهایت تأملی برآن نداشتند که اجرا وحاکمیت قانون تا چه حد درتحکیم امنیت وتأمین عدالت وگسترش نظام حقوقی کشورارزنده ومهم است.

بهرصورت به اساس تصمیم ولایت بلخ ریاست محاکم تما ماً دفاتر وادارات خویشرا با مشکلات عجیبی که مردم نظاره گران بودند به مکتب متذکره منتقل ودرآن جا اوراق، دفاتر و اسناد محاکم به شمول گنده های اسناد معتبر و وثایق مرتبه (گنده های قباله ها و دیگر اسناد مهم) به صورت تیت وپاشان پراگنده ومتشتت که تاریخ آن را بیاد خواهد گرفت واز همه مهم تر اینکه امنیت این همه اسناد به خطر جدی مواجه گشته بود قسماً به کار آغاز نمودند.

## آغاز دوباره کار ریاست محکمه شهری در این مسافر خانه:

ریاست محکمه شهری نیز در گوشه ای ازین مکتب دفاتر و اداره خود را در بین دواتاق گنجانیده وبا شکل عجیب وغریبی شروع به کار کرد.

مردم دسته دسته طور حیرت زده جهت اجرای کارهای خود ها به این مکتب که در بیرون شهر قرار داشت مراجعه وبعد از دیدن وضع آشفتة محاکم با یأس و ناامیدی تقاضای اجرای کارهای خود را می نمودند چون اجرائات در محاکم نظم خود را از دست داده و کارهای مراجعین بارکود مواجه و این پراگندگی مدتی دوام و کارهای مراجعین بر اثر این حالت لا اجرا وبا هم متراکم شده بود ولی دادگاه با همه توان میکوشید تا کارهای مردم را تا حد امکان انجام ویکطرفه سازد تا از سرگردانی ایشان جلوگیری شود وضع به همین منوال مدت چند ماهی دوام کرد اما ادارات حزبی، دولتی، نظامی و امنیتی شاهد اوضاع بوده وانعکاسات منفی وتبصره های رنگارنگ مردم را می دیدند و می شنیدند مشکلات محاکم ومراجعین روز تا روز زیاد وسرو و صدا هم از آن زیاده ترمی شد. تا اینکه شدت چنین سروصداها وحالت بدمحاکم بگوش مقامات باصلاحیت اداره قضا رسید و اداره قضائی کشور موضوع را با مقامات مربوط بلند

تر در میان گذاشته خواستار تخلیه تعمیر ریاست وجابجائی دوباره اداره محاکم به تعمیر اصلی شان گردیدند اما با وجود این تپ وتلاش واستغاثه ها بر این معضله ترتیب اثر داده نمی شد تا اینکه چالش اساسی تقاضای تخلیه مدرسه (مکتب) بمنظور شروع دروس متعلمین وزمان درسی ایشان ویا ضرورت دیگری موضوع را حاد وجدی ساخته و این مشکل توجه مقامات را طور بی سابقه جلب کرد بر بنیاد همین مشکلات مقامات تصمیم گیرنده چاره ای سنجیدند و ریاست محکمه ولایت بلخ را در چند اتاقی از سر باز خانه (اتاق محافظین والی ولایت بلخ) که در مقابل دروازه حویلی والی قرار داشت منتقل وجابجا ساختند این دو یا سه اتاق کوچک (که می توان آن را کبوتر خانه نامید) صرفاً دارای چند اتاق خورد وناموزونی بود که برای اداره ریاست محکمه مسخره آمیز وتوهین کننده حساب می شد ریاست محکمه به هر ترتیبیکه بود درین قفس گلی جابجا و ظاهراً آغاز بکار نمود.

ولی این تنها پایان کار نبود زیرا اکنون بعضی ادارات ریاست محکمه مرافعه ولایت بلخ چون ریاست دیوان امنیت عامه، ریاست دیوان جزا، ریاست دیوان مدنی وحقوق عامه و ریاست دیوان تجارتي، آمریت ثبت وثایق و ریاست محکمه شهری با تمامی دفاتر خود

جائی برای کار ومحلی برای انتقال اوراق ودفاتر خویش نداشتند بدین ترتیب اسناد مهم

وبا ارزش، دوسیه های جنائی، واوراق و اسناد مربوط دعاوی حقوقی وغیره وثایق معتبر با کتب ودفاتر اداری همه وهمه روی هم ریخته در بعضی اتاق های مدرسه مزبور که از مرکز شهر خیلی ها فاصله داشت و امنیت آن قابل تضمین نبود باقی و وضع قابل تشویش واندیشه از نگاه امنیتی ببار آورده بود.

## همکاری دادستانی ولایت بلخ به ریاست محکمه شهر:

همانطوریکه در بالا اشاره شد مردم و ادارات رسمی شهر متوجه این بیسروسامانی ها و آوارگی محکمه بودند که این حالت رقتبار سبب گردید ریاست (دادستانی) ثارنوالی ولایت بلخ که در آن زمان یک بخش و یا تعدادی از اتاقهای یک بلاک شخصی را بنام اپارتمان قالین فروشی به کرایه اخذ و در آن ایفای وظیفه میکردند با دیدن این وضعیت غیر قابل تحمل و به پاس احترام و حفظ آبروی مقام قضا آماده شدند برای اداره ریاست محکمه شهری چاره ای سنجیده و با کار سازی و تخلیه دواتاق از اپارتمان اجاره شده سارنوالی در جابجا سازی ریاست محکمه شهری کمک بسزا و یاد ماندنی انجام دهند ریاست محکمه شهری ناگزیر با همه پرسونل و دفاتر خویش درین دواتاق جایگزین و تاحدیکه امکانات اجازه می داد به کار شروع کرد این کمک به موقع و مناسب در حقیقت از طرف شخص رئیس ثارنوالی (دادستان) وقت آقای (ذکا) که شخصیت با وقار و محترمی بود انجام شد و محکمه شهری مدتی درین دواتاق با انواع و اقسام مشکلات قضائی و اداری کارهای روزمره ضروری مراجعین خویش را انجام می داد . همانطوریکه در بالا گذارش گردید محکمه کارهای خود را به همان شیوه قبلی مدتها در دواتاق عاریتی کمک شده از طرف دادستانی ادامه داد ولی دادگاه عالی قضاء به اساس تقاضای پیاپی ریاست محکمه ولایت بلخ موضوع را با عالیترین مقامهای حزبی و دولتی در میان گذاشته و به طور جدی و دوامدار خواهان تخلیه تعمیر ریاست محکمه می گردیدند تا اینکه سرانجام مقامات با صلاحیت مرکز از جریان این عملکرد های بی تدبیر و ناسنجش افراد ناعاقبت اندیشانه حکومت محل آگهی حاصل و سنگ ملامتی برجبین ایشان حواله کرده و امر جدی تخلیه بیچون و چرای تعمیر ریاست محکمه را صادر نمودند. اینبار هدایت واصله تا اندازه کارگرافتاد و یک دهلیز تعمیر ریاست محکمه که شامل تعداد از اتاقهای کاری و دفاتر می گردید تخلیه و اما دهلیز دیگر که همسان به دهلیز یاد شده حاوی اتاقهای کار برای ریاست های باقیمانده و ریاست محکمه شهری بود به تصرف قوماندانی گار نیزیون و قوای امنیتی می شد باقی ماند و در همین حالت آشفته بعد از سرگردانی و پربیشانی های زیادچند اتاق دیگر از مال و ملکیت قانونی ریاست محکمه هم مسترد گردید که حتی برای چند نفر مامور اداری کافی دانسته نمی شد با آنهم بعضی از ریاست های معاونه و یا فرعی ریاست محکمه ناگزیر در همین اتاقها جابجا و قسماً به کار آغاز نمود.

\*\*\*

## واکنش ریاست دادستانی در مقابل استرداد بخشی از تعمیر ریاست محاکم:

تخلیه بخشی از تعمیر ریاست محکمه سبب گردید که ریاست دادستانی ولایت بلخ نیز از ریاست محکمه شهری تقاضای تخلیه اتاقهای خود را روی ضرورت کمبود جای برای پرسونل خویش مطرح ساخت و ریاست محکمه شهری هم موضوع را با رئیس محکمه مُرافعه در میان گذاشته و درصدد راه حل و چاره جوئی برآمدند. اما چه چاره ای وجود داشت. من هر روز به ریاست محکمه مراجعه و با رئیس و دیگر قضات محکمه مشوره و درصدد یافتن راه حلی بودیم تا بالاخیره ناچاری و مجبوریت ما را به این راه حل تأثر آور و توهین آمیز کشاند و چنین تصمیم گرفتیم:

## راه حل تأثیر آور و تحقیر آمیز:

تصمیم من و دیگر قضات محکمه بر آن شد تا اتاق کوچکی را که در مقابل تحویلخانه ریاست محکمه جهت نگهداری چوب و ذغال و بعضی مواد ضروری دیگری وجود داشت و سقف و دیوار آن ما را به یاد دوران قبل تاریخ می کشاند تخلیه نموده اداره ریاست محکمه شهر را در آن جابجا سازیم. در پهلوی این تحویلخانه گاراژ موتور ریاست محکمه ولایت بلخ قرار داشت که یک طرف سقف آن شکسته و بالای یک ستون چوبی بزرگ تکیه داده شده بود. این اتاق را برای پرسونل اداری ریاست محکمه شهری اختصاص و در آن جایگزین ساختیم.

با تصویری که من از این اتاق ها خدمت شما ارائه داشتم ریاست محکمه شهری ناگزیر و از دید اجبار درین تحویلخانه و گاراژ جابجا و به کار آغاز نمود ولی از انواع مشکلاتیکه در دوران کار خود ها کارمندان محکمه و من به آن دست به گریبان بوده ایم مربوط تصور و برداشت شماست.

چنین تحقیر و توهین در فاصله ده متری جالبتر اینکه در مقابل چشم ما و دید آشکار اتاقهای سابقه (شهری محکمه موثر یعنی دفتر فعلی ریاست و گاراژ مقابل تحویلخانه یک تعداد از افراد نظامی بنام قوای آنها را شهری قرار دارد که محکمه ریاست اصلی خواندند می امنیت و مسئولین سبز تحت تصرف داشته و ایشان خود ها را افراد نظامی

به هر صورت من و کارمندان ریاست محکمه شهری با همین حالت اسفبار بعد از جمع و جور مختصر دفاتر و کتب مورد ضرورت محکمه شروع به کار نمودیم تا از سرگردانی های مردم کاسته باشیم ولی با آنهم مدت های مدیدی نمیتوانستیم به امور محکمه نظمی بخشیده و کار ها را طور شاید و باید به وقت و زمان آن انجام دهیم. کار محکمه به همین نا بسامانی ها و نا امیدیهها بدون روزنه امید ادامه داشت.

اکنون من و کارمندان محکمه با احساس و دیدن چنین حالاتیکه قابل پیش بینی و تصور نبود نوق رونق بخشیدن به

امور محکمه را امکان پذیر ندیده و صرف در صدد اجرای کار های هستیم که میتوانیم آن ها را انجام دهیم.

همانطوریکه گزارش بالا ارائه شد محکمه شهر در پهلوی مشکلات ایجاد شده فعلی قبلاً نیز به مشکلات جدی روبرو بود زیرا بر اساس نفاذ قانون تشکیل و صلاحیت جدید محاکم -

- محکمه های ابتدائی حقوق و جزا در ولایت بلخ با هم مدغم و بنام محکمه شهری مسما گشته بود و بعد ازین رویداد ریاست محکمه جدید التاسیس شهری ضرورت مبرم به جای وسیع و اساسیه لازم برای قضات و کارمندان اداری خویش داشت هنوز این نیاز مندی ها مرفوع نگشته بود که قرار شرح ارائه شده سر نوشت کوبنده و تأثیر انگیز دیگری بالای آن نازل گشت و دو اتاق ما تملک خود را نیز از دست داد.

آنچه که در بالا خدمت شما طور مؤجز عرضه نمودم مشکلات وارده و یا بهتر بگوئیم مشکلات تحمیل شده بود که محکمه هم یارای دفع و یا رد آن را نداشت.

سایر تحولات و ماجرا های وارده را در آینده خواهید خواند. با حرمت سخی صمیم. ادامه دارد.